

تأثیر اتحاد علیه تروریسم بر منابع مادی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه از منظر واقع‌گرایی

محمد اسلامی مجد^{۱*}

جلال درخشه^۲

علیرضا بیگی^۳

چکیده

واکاوی تأثیر همکاری ضد تروریستی در قالب یک اتحاد میان جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه بر منابع مادی قدرت ملی این سه دولت - ملت از منظر نظریه واقع‌گرایی روابط بین‌الملل مسئله این پژوهش است. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش این است که اتحاد ایران، عراق و سوریه علیه تروریسم، بر منابع مادی قدرت ملی این سه دولت چه تأثیری دارد؟ روش انجام پژوهش توصیفی - تحلیلی است و روش گردآوری آن، کتابخانه‌ای است. نظریه واقع‌گرایی روابط بین‌الملل به‌عنوان چارچوب نظری این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. یافته اصلی این پژوهش آن است که اتحاد ضد تروریستی ایران، عراق و سوریه به تقویت قدرت ملی سه دولت در ابعاد ژئوپلیتیک، نظامی و اقتصادی منجر می‌شود. تأثیر اتحاد مزبور در بُعد ژئوپلیتیک به‌صورت گسترش تسلط سه کشور بر مناطق راهبردی خاورمیانه شمالی و ایجاد اتصال میان حوزه‌های ژئوپلیتیکی مهم نمود یافته، در بُعد نظامی بر افزایش توانمندی‌ها در سه حوزه تجهیزات، پشتیبانی و لجستیک و نیروی انسانی تأکید شده و در بُعد اقتصادی، گسترش سیطره بر بیضی استراتژیک انرژی و هم‌افزایی در ذخایر نفت و گاز مورد توجه واقع شده است.

کلیدواژه‌ها: اتحاد، ایران، عراق، سوریه، قدرت ملی.

۱- دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه امام صادق(ع) Email: m.eslami.majd@gmail.com

۲- استاد دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول) Email: j.dorakhsha@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع) Email: a.r.beygi20@gmail.com

مقدمه

پدید آمدن تروریسم در حوزه جغرافیایی عراق و سوریه به مثابه کانون بحران تروریسم تکفیری و ورود جمهوری اسلامی ایران به عرصه مبارزه با این تروریسم جهت حمایت از عمق راهبردی خود و جلوگیری از ایجاد تهدید وجودی علیه حاکمیت ملی جمهوری اسلامی ایران، موضوعی است که مسائل گوناگون شایسته پژوهش را برانگیخته و زوایای گوناگون نگاه را به خود معطوف داشته است. پژوهش حاضر نیز در تلاش برای واکاوی بخشی از این موضوع پرداخته است. مسئله این پژوهش، پی‌جویی تأثیرات همکاری ضد تروریستی سه دولت جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه بر منابع قدرت ملی آنهاست. پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه همکاری در مبارزه با تروریسم، چه تأثیری بر قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه دارد؟ دیگر پرسش‌هایی که این پژوهش در پی پاسخ به آنهاست و در قالب پرسش‌های فرعی قابل طرح است، عبارت‌اند از:

همکاری در مبارزه با تروریسم چه تأثیری بر منابع جغرافیایی یا ژئوپلیتیک قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه دارد؟

همکاری در مبارزه با تروریسم، چه تأثیری بر منابع نظامی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه دارد؟

همکاری در مبارزه با تروریسم، چه تأثیری بر منابع اقتصادی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه دارد؟

این پژوهش بر این فرضیه استوار است که همکاری سه دولت دارای حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه در قالب اتحاد علیه تروریسم، در صورت اتخاذ استراتژی هم‌افزا با افزایش منابع ژئوپلیتیک، اقتصادی و نظامی، قدرت ملی سه دولت جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه را افزایش می‌دهد. روش انجام پژوهش، توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است. این پژوهش بر اساس چارچوب نظری برگرفته از واقع‌گرایی^۱ با تبیین نظری قدرت ملی و منابع مادی آن و با تأکید بر اتحاد به‌عنوان متغیر مستقل و منابع مادی قدرت سه کشور به‌عنوان متغیر وابسته، تأثیر اتحاد سه کشور علیه تروریسم را بر منابع مادی آنها، مورد بررسی قرار داده است و نتایج را در قالب یک الگوی سه‌بعدی تأثیرات شامل بُعد ژئوپلیتیکی، بُعد نظامی و بُعد اقتصادی ارائه کرده است. از نظر نوشتگان مربوط به موضوع و پیشینه پژوهش، پژوهش‌های مرتبط با موضوع مقاله حاضر مورد بررسی قرار گرفت که به‌صورت زیر دسته‌بندی می‌شوند:

الف) پژوهش‌هایی که به مسئله همکاری میان سه دولت - ملت پرداخته‌اند:

گروهی از این پژوهش‌ها به تأثیر همکاری میان دو دولت از سه دولت، بر موضوعی دیگر پرداخته‌اند؛ از این قبیل پژوهش‌ها می‌توان به پایان‌نامه «عارفی مقدم» اشاره کرد که به تأثیر همکاری‌های اقتصادی

میان ایران و عراق بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته (عارفی مقدم، ۱۳۹۲)، هم‌چنین دو مقاله (شیرازی و پارسه، ۱۳۹۳) و (پارسای و مطهری‌نیا، ۱۳۹۳) که در هر دو این مقالات، تأثیرات اتحاد ایران، سوریه و حزب‌الله در قالب یک محور علیه منافع آمریکا در منطقه غرب آسیا مورد واکاوی قرار گرفته است. در گروه دیگری از این پژوهش‌ها به تحلیل همکاری از نظر چرایی ایجاد و گسترش و ظرفیت‌های آن توجه شده است که از آن جمله می‌توان به مقاله (اسمعیلی و جانسیز، ۱۳۹۵) اشاره کرد.

ب) پژوهش‌هایی که به موضوع اهمیت و ظرفیت منطقه خاورمیانه شمالی با توجه به جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

دسته‌ای از این پژوهش‌ها، به اهمیت ژئوپلیتیکی خاورمیانه در ارتباط با سایر حوزه‌های ژئوپلیتیکی پرداخته است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: (عباسی، ۱۳۹۳) که با نگرش شبکه‌ای، اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی سازه خاورمیانه شمالی را در شبکه منطقه‌ای خاورمیانه مورد بحث قرار داده است، هم‌چنین مقاله (عباسی و همکاران، ۱۳۹۴) که به مقایسه جایگاه ارتباط دو خوشه ژئوپلیتیکی خاورمیانه شمالی با آسیای مرکزی را در نسبت با دیگر حوزه‌های خاورمیانه پرداخته است. بخش عمده پژوهش‌های مربوط به این حوزه، با نگاهی گفتمانی و با تمرکز بر ژئوپلیتیک تشیع شکل گرفته است؛ گروهی از این پژوهش‌های نوع دوم، در نقد مفهوم هلال شیعی و برخی در تبیین آن انجام گرفته است؛ مهم‌ترین و عمده‌ترین تولیدات پژوهشی متمرکز بر این نگاه، مربوط به همایش «ژئوپلیتیک شیعه» است.^۱

ج) پژوهش‌های مربوط به قدرت ملی

این دسته از پژوهش‌ها، به بررسی نظری قدرت ملی و واکاوی مصداقی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران و منابع آن پرداخته‌اند. در بحث از منابع قدرت، بیش‌تر پژوهش‌ها درباره منابع قدرت نرم؛ مانند مقاله (کیوان حسینی و جمعه‌زاده، ۱۳۹۲) و منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است؛ مانند مقالات «جعفری» و «نیک‌روش» (جعفری و نیک‌روش، ۱۳۹۲) و (جعفری و نیک‌روش، ۱۳۹۴) که به واکاوی منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق نوین پرداخته‌اند.

پژوهش حاضر با هر سه دسته از پژوهش‌های مزبور متمایز است، مهم‌ترین تفاوت‌های این پژوهش با پژوهش‌های سه‌گانه مذکور عبارت است از: نوآوری در بررسی متغیر مستقل؛ چه آنکه پیامدهای اتحاد ضد تروریستی میان سه دولت تاکنون مورد توجه واقع نشده است، نوآوری دیگر، رویکرد دولت‌محور مقاله در مقابل رویکردهای مبتنی بر عامل دین و مذهب است و در پایان، تمرکز پژوهش حاضر بر منابع سخت و مادی قدرت ملی سه دولت-ملت در مقابل پژوهش‌های فراوان متمرکز بر منابع قدرت نرم صرف جمهوری اسلامی است؛ افزون بر این می‌توان معطوف بودن پژوهش به واقعیات روز عرصه بین‌الملل و تحولات منطقه‌ای را نیز می‌توان از ویژگی‌های جدید بودن آن دانست. ضرورت انجام چنین پژوهشی در احتمال پایان یافتن اتحاد پس از نابودی تروریسم در منطقه است؛ از این‌روی هدف این مقاله را می‌توان

۱. ر.ک: (مختاری هشی، ۱۳۹۱).

واکاوی فرصت‌های بالقوه اتحاد نظامی - امنیتی علیه تروریسم در حوزه‌های گوناگون برای سه دولت و تأکید بر لزوم تداوم این اتحاد و گسترش آن است.

جدول ۱: نوشتگان مرتبط با پژوهش

نام فصلنامه	سال	نویسنده(ها)	عنوان	محور پژوهش
پایان‌نامه در دانشگاه علامه طباطبایی (ره)	۱۳۹۲	پویا عارفی مقدم	تأثیر زمینه‌های همکاری اقتصادی ایران و عراق بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	همکاری ایران و عراق یا ایران و سوریه
سیاست خارجی	۱۳۹۳	حبیب‌الله شیرازی و رضا پارسه	اتتلاف سه‌گانه ایران، سوریه و حزب‌الله و تأثیر آن بر منافع آمریکا در خاورمیانه	
مجله سیاست دفاعی	۱۳۹۳	رضا پارسای و مهدی مطهری‌نیا	اثرگذاری محور ایران، سوریه و حزب‌الله بر منافع آمریکا در خاورمیانه	
پژوهش‌های راهبردی سیاست	۱۳۹۵	علی اسمعیلی و احمد جانسیز	علل گسترش روابط استراتژیک ایران با سوریه؛ از حمله آمریکا به عراق تا آغاز بحران در سوریه ۲۰۰۳-۲۰۱۱	
سیاست جهانی	۱۳۹۳	ابراهیم عباسی	خاورمیانه شمالی: سازه‌ای جدید برای همکاری در شبکه منطقه‌ای خاورمیانه	اهمیت و ظرفیت منطقه خاورمیانه شمالی برای جمهوری اسلامی ایران
مطالعات اوراسیای مرکزی	۱۳۹۴	ابراهیم عباسی و همکاران	بررسی تطبیقی جایگاه ارتباطی خاورمیانه شمالی با آسیای مرکزی در مقایسه با سایر حوزه‌های خاورمیانه	قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران
پژوهش سیاست نظری	۱۳۹۲	سید اصغر کیوان حسینی و راحله جمعه زاده	تبیین نظری قدرت نرم بر مبنای نگرش فرا نای به کاربرست منابع غیرمادی قدرت در سیاست خارجی	
پژوهش‌های انقلاب اسلامی	۱۳۹۲	علی‌اکبر جعفری و ملیحه نیک‌روش	منابع سیاسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق جدید	

مفاهیم

مهم‌ترین مفاهیم به‌کار رفته در این پژوهش که نقش محوری در آن ایفا می‌کنند عبارت‌اند از:

اتحاد^۱

شکست تروریسم طی فرایند چندین ساله همکاری میان جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه دارای پیامدهای ایجابی فراوانی است. گونه شناسی این همکاری از منظر پارادایم واقع‌گرایی، نمودار شکل‌گیری کامل اتحاد میان این سه کشور است؛ چنان‌که «استفن والت»^۲ در تعریف این دانش واژه بیان می‌دارد، اتحاد عبارت است از: «روابط رسمی یا غیررسمی مبتنی بر همکاری امنیتی میان دو یا چند دولت دارای حاکمیت» (Walt, 1987: 1) بر این اساس، در مطالعه موردی این پژوهش، روابط رسمی و غیررسمی متوالی و مداومی میان سه دولت بهره‌مند از حاکمیت در راستای همکاری امنیتی برای مبارزه با تروریسم که مسئله‌ای امنیتی است، شکل گرفت.

با ارائه تصویری تفصیلی‌تر از چیستی اتحاد و مؤلفه‌های آن، می‌توان وجود یا عدم آن را در همکاری امنیتی میان ایران، عراق و سوریه پی‌جویی نمود، در این راستا ویژگی‌های فراگیر اتحاد عبارت‌اند از:

الف) همکاری میان حداقل دو دولت؛

ب) گردآوری عملی نیروی نظامی؛

ج) منفعت مشترک متحدها در حداقل در رابطه با تهدیدها؛

د) باور به کنش جمعی (آقایی و اکبری، ۱۳۸۸: ۹).

مؤلفه‌های فراگیر پیش‌گفته، در نوع همکاری شکل‌گرفته میان سه کشور مورد مطالعه به‌طور کامل قابل مشاهده است؛ به دیگر سخن، در همکاری ضد تروریستی ایران، عراق و سوریه، سه دولت مشارکت داشته‌اند؛ بنابراین مؤلفه نخست فراهم بوده، سه کشور در همکاری خود نیروی نظامی گردآوری کرده‌اند؛ بنابراین مؤلفه دوم نیز موجود است، سه دولت درباره تهدید تروریسم منفعت مشترک دارند که بیانگر مؤلفه سوم است و سه دولت با یکدیگر به کنش جمعی در مقابله با تهدید پرداخته‌اند؛ بنابراین مؤلفه چهارم نیز قابل مشاهده است.

تأثیر این اتحاد بر امنیت سه کشور در قالب از بین بردن تهدید وجودی تروریسم در رابطه با عراق و سوریه و دور کردن این تهدید از جمهوری اسلامی ایران قابل فهم است.

قدرت

قدرت در مفهوم کلی آن عبارت است از «توانایی فکری و عملی برای ایجاد شرایط و نتایج مطلوب» (عالم، ۱۳۹۵: ۹۰). این مفهوم به‌عنوان یکی از متمایزکننده‌های سیاست از سایر حوزه‌های علوم اجتماعی در ساحت‌های گوناگون سیاست نمودار است؛ اما آنچه در این پژوهش مورد تأکید است، قدرت در روابط بین‌الملل آن‌هم از منظر واقع‌گرایی است. در ساده‌ترین تعریف از قدرت در میان دولت‌ها، آن را «توانایی یک دولت بر کنترل یا حداقل تأثیر بر دیگر دولت‌ها و یا نتایج رویدادها» (Griffiths and Others,)

۱. Alliance

۲. Stephen M. Walt

258: 2008) تعریف کرده‌اند. در این راستا اساساً سیاست بین‌الملل عرصه‌ای برای مبارزه جهت به دست آوردن و نگهداشت قدرت است و همچنین بازیگران عرصه سیاست بین‌الملل برای کسب اهداف خود در این ساحت از قدرت بهره می‌گیرند؛ بنابراین قدرت هم غایت است و هم ابزاری برای رسیدن به اهداف دیگر. نگاه ابزاری به قدرت که محل تأکید این پژوهش است، آن را به سان پول ابزاری جهت دستیابی به سایر اهداف یا دفاع از آنها در نظر می‌گیرد (Griffiths and Others, 2008: 258). از منظر واقع‌گرایی به روایت «مورگنتا» می‌توان سه برداشت از قدرت را مورد بازشناسی قرار داد که عبارت‌اند:

الف) برداشت رابطه‌ای از قدرت: تعریف وی از قدرت مبنی بر تأثیرگذاری یک بازیگر بر ذهن بازیگر دیگر، روایتی «رابطه‌ای» و متضمن برداشتی «علی» از قدرت است که با عنوان رهیافت «کنترل کنشگر» نیز شناخته می‌شود.

ب) برداشت غایی از قدرت: مورگنتا گاه قدرت را به‌عنوان هدف و مقصد سیاست بیان می‌دارد. وی اساساً با تحلیلی انسان‌شناختی، قدرت‌طلبی را یکی از مهم‌ترین اهداف انسانی معرفی نموده و به‌تبع آن، هدف سیاست را نیز حفظ و یا کسب میزان بیش‌تری از قدرت می‌داند.

ج) برداشت ابزاری از قدرت: مورگنتا در این برداشت، نگاهی ابزارگرایانه به قدرت ابراز می‌دارد، این برداشت بر «توانمندی»ها اشعار دارد و مورگنتا بر قدرت ملی و عناصر آن تأکید می‌نماید (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۹۹).

مقصود از قدرت در این پژوهش برداشت سوم یا نگاه به قدرت از منظر «توانمندی»های دولت است که در چارچوب منابع قدرت ملی مورد بحث قرار گرفته است.

واقع‌گرایی

یکی از رهیافت‌های نظری اصلی در روابط بین‌الملل است که بحث از آن ریشه در تاریخ یونان و اثر «توسیدید»^۱ درباره جنگ‌های پلوپونزی دارد؛ با این وجود، پردازش آن به‌عنوان یک نظریه منسجم روابط بین‌الملل را مربوط به اواخر دهه ۳۰ و اوایل دهه ۴۰ قرن گذشته دانسته‌اند (Griffiths and Others, 2008: 268). در این بازه زمانی، رئالیسم در واکنش به نظریات ایدئالیستی و شکست کنش‌های ایدئالیستی چون جامعه ملل که با وقوع جنگ جهانی دوم رخ نمود، توسعه یافت. این نظریه در این بازه زمانی با تأکید چیرگی هرج‌ومرج^۲ بر محیط بین‌المللی و لزوم خودیاری^۳ دولت‌ها جهت تضمین بقای خود با اتخاذ راهبرد پیشینه‌سازی قدرت جهت موازنه قوا ارائه شد؛ اما بعدها با نوآوری‌های «کنت والتز»^۴ در قالب نوواقع‌گرایی جامعه متفاوتی بر تن کرد و به نظریه‌ای نظام محور تبدیل شد.

۱. Thucydides

۲. Anarchy

۳. Self- help

۴. Kenneth Waltz

محل توجه و تمرکز این پژوهش، واقع‌گرایی است که نسبت به اشکال باستانی و کلاسیک، مدرن؛ اما نسبت به نسخه نوواقع‌گرایی، کلاسیک خوانده شده است (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۷۳). در واقع واقع‌گرایی مدنظر، روایت مورگنتا از آن، به‌مثابه مهم‌ترین نظریه‌پرداز واقع‌گرا است. از این منظر واقع‌گرایی نظریه‌ای برای مطالعه روابط بین‌الملل است که بنا بر ادعای مورگنتا بر شش اصل زیر استوار است:

الف) حاکمیت قواعد مشخص بر عرصه سیاست که ریشه در ذات انسانی دارد (Morgenthau, 1997: 4).

ب) «مفهوم منافع که به‌مثابه قدرت تعریف می‌شود» به‌عنوان مهم‌ترین مفهوم در روابط بین‌الملل (Morgenthau, 1997: 5).

ج) اعتبار جهانی مفهوم منافع ملی و تمایز منافع برای هر دولت - ملت (Morgenthau, 1997: 10).

د) تمایز اخلاق فردی و اخلاق در حیطه سیاست جهانی (Morgenthau, 1997: 12).

هـ) تمایز میان آرمان‌های ملی و واقعیات و قواعد عرصه سیاست (Morgenthau, 1997: 15).

و) تمایز واقعی میان واقع‌گرایی به‌مثابه یک مکتب فکری با دیگر مکاتب (Morgenthau, 1997: 15).

چارچوب نظری

مبنای نظری که این پژوهش بر آن استوار گشته در چارچوب توانمندی‌های دولت برای پیگیری اهداف سیاست خارجی خود از منظر واقع‌گرایی قابل واکاوی است. از این منظر، پژوهش در چارچوب «عناصر قدرت ملی» انجام شده است. مقصود از این عناصر، عوامل مؤثر یا اجزای تشکیل‌دهنده قدرت یک کشور است.

در باب قدرت ملی می‌توان سه رهیافت را مورد توجه قرار داد، رهیافت نخست قدرت را به‌مثابه کنترل بر منابع می‌انگارد، دومین رهیافت، آن را در کنترل بر بازیگران می‌داند و سومین روی‌آورد، قدرت را به‌سان کنترل بر رویدادها و نتایج می‌نگرد (Hart, 1976: 289). «جفری هارت»^۱ استاد روابط بین‌الملل، در پژوهشی که معرفی و واکاوی سه رویکرد نسبت به سنجش قدرت ملی پرداخته، نگاه به قدرت ملی به‌مثابه کنترل بر منابع را دارای بیش‌ترین کاربرد و پذیرش در مطالعه قدرت ملی به‌شمار آورده است (Hart, 1976: 289)؛ با وجود این، موضوع از منظر چپستی این منابع یا عناصر محل اختلاف است؛ چه آنکه اندیشمندان روابط بین‌الملل به موضوع «قدرت ملی» و عناصر آن پرداخته‌اند، هر کدام تعریف و دسته‌بندی خود را نیز از عناصر آن به دست داده‌اند؟ آنچه در این پژوهش مدنظر است تأکید بر منابع مادی قدرت ملی از منظر واقع‌گرایی است؛ از این‌رو بر تعریف مورگنتا از قدرت ملی و عناصر مورد اشاره

۱. Jeffrey Hart

۲. جهت اطلاع از مجموعه عناصری که تحت عنوان عناصر یا منابع قدرت ملی قابل طرح است، ر.ک: (دهقانی، ۱۳۹۵: ۷۸-۸۸).

وی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اندیشمندان واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل و کتاب *سیاست میان ملت‌ها* که آن را مهم‌ترین کتاب نظری در حوزه روابط بین‌الملل در دوران خود دانسته‌اند (Lerche and said, 1975: 4) تأکید شده است.

در این راستا «هانس جی مورگنتا»^۱ عناصر قدرت ملی را به دو گونه کلی عوامل نسبتاً پایدار یا باثبات و عوامل متغیر دسته‌بندی نموده است (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۱۹۷). او در ارائه تفصیلی این عناصر، آنها را در قالب موارد نه‌گانه زیر بازشماری می‌کند:

- الف) جغرافیا؛
- ب) منابع طبیعی؛
- ج) توان صنعتی؛
- د) آمادگی نظامی؛
- هـ) جمعیت؛
- و) منش ملی؛
- ز) روحیه ملی؛
- ح) کیفیت دیپلماسی؛
- ط) کیفیت حکومت؛



عناصر قدرت ملی از منظر هانس جی مورگنتا

تصویر ۱، عناصر نه‌گانه قدرت ملی

این موارد نه‌گانه را از نظر مادی یا غیرمادی و یا ترکیبی بودن، می‌توان بدین صورت دسته‌بندی نمود:

۱. Hans J. Morgenthau

الف) عناصر مادی قدرت ملی: جغرافیا، منابع طبیعی، توان صنعتی، آمادگی نظامی
 ب) عناصر غیرمادی: منش ملی، روحیه ملی، کیفیت دیپلماسی، کیفیت حکومت
 ج) عنصر مرکب از مؤلفه‌های مادی و غیرمادی: مورگنتا جمعیت را «مرکب از عناصر مادی و انسانی»
 به‌شمار می‌آورد و وجوه مختلف آن را از منظر مادی یا غیرمادی بودن مورد بررسی قرار می‌دهد (مورگنتا،
 ۱۳۷۴: ۲۲۱).

آنچه در این پژوهش مورد تأکید است، عناصر مادی و غیر کیفی قدرت ملی است که از منظر
 ساحت‌های موضوعی به سه ساحت موضوعی جغرافیایی، نظامی و اقتصادی دسته‌بندی می‌شوند. در
 ساحت جغرافیا، مسئله مورد توجه مورگنتا، موقعیت جغرافیایی و چگونگی دسترسی است (مورگنتا، ۱۳۷۴:
 ۱۹۷-۲۰۱)، در بُعد نظامی، فناوری نظامی و کم و کیف نیروی‌های نظامی (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۲۱۵ و ۲۲۰)
 و در عرصه اقتصادی محل تمرکز بر منابع طبیعی؛ به‌ویژه قدرت نفت است (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۲۰۶).

تأثیر همکاری ضد تروریستی بر منابع جغرافیایی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه

مورگنتا جغرافیا را به‌مثابه یکی از عناصر منابع قدرت ملی، باثبات‌ترین این عناصر می‌شناسد
 (Morgenthau, 1997: 127). نکته مهم آن است که بحث وی تنها در خصوص منابع قدرت یک
 بازیگر یا دولت-ملت است؛ اما منابع جغرافیایی یک یا چند دولت-ملت با هم‌افزایی و سیاست‌گذاری
 جغرافیایی آنها نسبت به موقعیت جغرافیایی خود، تغییر می‌یابد. این بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی در
 راستای اهداف سیاسی که ژئوپلیتیک نامیده می‌شود، در موارد مطالعه این پژوهش در قالب تأثیر اتحاد سه
 دولت-ملت جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه مورد بحث قرار می‌گیرد.
 به‌طور کلی قلمرو جغرافیایی «هلال خصیب»^۱ شامل شبه‌جزیره عربستان و منطقه از منظر ژئوپلیتیک
 به‌عنوان یک موقعیت ممتاز و پل استراتژیک به‌شمار می‌آید که تاکنون موقعیت آن به درستی درک نشده
 است (عزتی، ۱۳۷۱: ۷۷). اتحاد میان سه دولت-ملت برای نخستین بار امکان بهره‌گیری از فرصت‌های
 این منطقه را در اختیار نهاده به‌طور مشخص به معنای هم‌افزایی سه دولت و تسلط بر پهنه شمالی هلال
 خصیب و در برگیری مناطق ژئوپلیتیک مهمی از جمله جنوب دریای خزر، شمال دریای عمان و
 خلیج فارس تا شرق مدیترانه است و فرصت‌های زیر را در اختیار می‌گذارد.

اتصال حوزه ژئوپلیتیک دریای عمان و خلیج فارس به حوزه ژئوپلیتیک مدیترانه

مهم‌ترین حوزه‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه عبارت‌اند از: خلیج فارس، مدیترانه شرقی و دریای سرخ. در این
 میان خلیج فارس اهمیت افزون‌تری دارد؛ چه آنکه موقعیت جغرافیایی (با تأکید بر اهمیت استراتژیک تنگه

۱. Fertile Crescent

هرمز و مرتب‌سازی کشورهای حاشیه خلیج فارس با اقیانوس هند)، ذخایر عظیم نفت و گاز و بازار مصرف آن را از دیگر حوزه‌ها متمایز می‌سازد. مهم‌ترین ویژگی حوزه ژئوپلیتیکی مدیترانه شرقی نیز ارتباط آن با مسئله فلسطین (بختیارپور و عزتی، ۱۳۸۹: ۴ و ۸) و همچنین دسترسی به جنوب اروپا است. طرفه آنکه اتصال زمینی (خشکی) میان این دو حوزه ژئوپلیتیکی دریا محور، از طریق خط اتصال ایران - سوریه شدنی است و از این طریق می‌توان امکان بهره‌مندی از فرصت‌های یک حوزه ژئوپلیتیک برای تأثیرگذاری بر دیگری و یا خنثی نمودن تهدیدهای یک حوزه از طریق حوزه دیگر را به‌عنوان ثمره عملی شدن اتصال مزبور در نظر داشت.

اتصال حوزه ژئوپلیتیک خزر - آسیای میانه به حوزه ژئوپلیتیک مدیترانه

اتصال این دو حوزه از منظر ژئوپلیتیک دسترسی، دارای اهمیت است؛ چه آنکه سه دولت جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه می‌توانند مشکل عدم دسترسی کشورهای قفقاز و همچنین افغانستان به آب‌های آزاد را فراهم آورند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۳۲). از سوی دیگر تأمین این راه دسترسی، با در اختیار نهادن راه بدیل برای روسیه جهت دسترسی به اروپا؛ به‌ویژه جنوب این قاره، از اهمیت دو تنگه استراتژیک «بسفور»^۱ و «داردانل»^۲ بکاهد؛ البته بهره‌گیری عملی از فرصت‌های این اتصال نیازمند ایجاد زیرساخت‌ها؛ از جمله جاده‌های مورد نیاز و ارائه امتیاز استفاده از بندرها به دولت‌های نفع برنده در چارچوب حاکمیت ملی کشورها است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۸۶).

تأثیر همکاری ضدتروریستی بر منابع نظامی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه

توانمندی نظامی مؤلفه‌ای است که سایر منابع قدرت را به‌صورت بالفعل در می‌آورد. آمادگی نظامی پیگیری اهداف سیاست خارجی را پشتیبانی می‌کند. مورگنتا مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نظامی را فناوری، رهبری و کم و کیف نیروی نظامی می‌داند (Morgenthau, 1997: 139). بر این اساس، تأثیر اتحاد بر منابع نظامی قدرت ملی سه دولت را می‌توان در موارد زیر مورد بازشناسی قرار داد.

توسعه و بهره‌گیری از تجهیزات نظامی

طی فرایند نزدیک به هفت‌ساله مبارزه با تروریسم در سوریه و عراق در سطح فناوری‌های راهبردی، اتحاد میان سه دولت علیه تروریسم، امکان بهره‌گیری واقعی از این‌گونه جنگ‌افزارها و ارزیابی نقاط ضعف و قوت آنها را فراهم نمود که در این راستا به‌طور مشخص می‌توان به شلیک موشک‌های نقطه زن ذوالفقار

1. The Bosphorus
2. The Dardanelles

از ایران در حمله موشکی علیه داعش در دیرالزور اشاره کرد که برای نخستین بار در چنین صحنه عملیاتی و با فاصله بیش از شش صد کیلومتر مورد استفاده قرار گرفت.^۱

تسهیل نقل و انتقال و لجستیک نظامی

اتحاد میان سه دولت، با تأمین امنیت خط انتقال زمینی تهران تا دمشق، امکان نقل و انتقال نیرو و تجهیزات میان سه دولت را تسهیل نموده است، این امر افزون بر بالابردن سرعت کنش و واکنش نظامی علیه تهدیدها، بر میزان بازدارندگی سه کشور و به‌طور کلی محور مقاومت علیه مهم‌ترین تهدید وجودی این محور یعنی رژیم صهیونیستی، افزوده است. شاهد این مدعا تلاش فزاینده رژیم صهیونیستی بر دور نگه داشتن این محور از جنوب سوریه و منطقه جولان و اعلام نگرانی‌های چندین‌باره مسئولین این رژیم نسبت به نقل و انتقال‌های نظامی است.^۲

گردآوری و بکارگیری حجم بالای نیروی نظامی کیفی

پس از شکل‌گیری تروریسم در سوریه و عراق، با کمک‌های مستشاری جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مردمی دو کشور، در قالب رده‌بندی‌های گوناگون نظامی سازمان‌دهی شده و توسط فرماندهان با تجربه نظامی در عملیات ضد تروریستی بکارگیری شدند. این نیروها در عراق در قالب بسیج مردمی عراق^۳ و در سوریه در قالب نیروهای دفاع ملی^۴ سازمان یافته‌اند. حجم نیروهای سازمان یافته علی‌رغم نبود آمارهای رسمی، نمودار کمیت قابل توجه نیروهای رزمنده و همچنین تجربه کسب شده طی حداقل سه سال مبارزه با تروریسم در صحنه‌های عملیاتی گوناگون، با شیوه‌های رزم و جغرافیای مختلف و موفقیت‌های عمده و چشمگیر از قبیل آزادسازی حلب^۵ و شکست داعش در البوکمال^۶، نیروی انسانی کیفی قابل توجهی را در اختیار سه کشور قرار داده است.

۱. برای اطلاع از چیستی این عملیات موشکی، ر.ک: قدسنا (۱۳۹۶/۳/۲۹)، «بیانیه سپاه درباره حمله موشکی از کرمانشاه به مقر داعش در سوریه»،

<http://qodsna.com/fa/301072>

۲. از جمله این اظهار نگرانی‌ها می‌توان به اظهارات «دانون» سفیر رژیم صهیونیستی در سازمان ملل اشاره کرد. ر.ک: Jpost (4, 25, 2018), "Danon: Iran currently controls 82,000 fighters in Syria", yon.ir/wLXcB

۳. الحشد الشعبي

۴. قوات الدفاع الوطني

۵. نبرد آزادسازی حلب نقطه عطفی در نبردهای شهری سوریه و یکی از مؤثرترین این نبردها بود. ر.ک:

Washingtonpost (12.14.2016), "Endgame in Aleppo, the most decisive battle yet in Syria's war", yon.ir/6c3BC

۶. نبرد با داعش در البوکمال، به معنای سقوط آخرین پایگاه داعش بود، منطقه جغرافیایی این نبرد از نظر طبیعی در بیابان‌های سوریه و در مرز عراق و سوریه واقع شده بود، از نظر ژئوپلیتیک این منطقه به جهت برقراری اتصال زمینی میان عراق و سوریه از اهمیت بالایی برای آمریکا برخوردار بود و از چنین امری جلوگیری می‌شد، در این عملیات نیروهای گوناگون سوری، عراقی، ایرانی، لبنانی، پاکستانی و عراق حضور داشتند؛ به این دلایل این عملیات از سوی «اتاق عملیات فرماندهی نظامی سوریه» ام‌المعارک یا

تأثیر همکاری ضد تروریستی بر منابع اقتصادی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه

توسعه همکاری نظامی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه و سرایت دادن آن به سایر حوزه‌های موضوعی از جمله اقتصاد فرصت‌های مهمی را جهت افزایش منابع قدرت ملی در اختیار سه کشور می‌نهد. از سوی دیگر تداوم اتحاد مزبور با تأکید بر کارکرد مقابله با تهدید آن، افزایش قدرت به‌مثابه گزینه‌ای استراتژیک را بایسته می‌سازد؛ در این راستا حوزه اقتصاد یکی از حوزه‌های موضوعی اصلی توسعه توانمندی‌ها و بهره‌گیری از فرصت‌های راهبردی است. در این راستا مهم‌ترین افزوده‌های اتحاد میان سه دولت بر منابع اقتصادی سه دولت را می‌توان در موارد زیر برشمرد.

گسترش سیطره بر بیضی استراتژیک انرژی

بیضی استراتژیک انرژی^۱ یک منطقه انرژی است که از جنوب روسیه تا کشورهای حاشیه خلیج فارس امتداد یافته و بیش‌ترین میزان ذخایر اثبات‌شده نفت و بیش از ۴۰ درصد از ذخایر گاز طبیعی را در برمی‌گیرد (Kemp, 2010: 180). بخش گسترده‌ای از این منطقه جغرافیایی را ایران تشکیل می‌دهد، هم‌چنین بخش بزرگی از عراق و قسمتی از سوریه، تشکیل‌دهنده پهنه غربی این بیضی است. اتحاد میان سه دولت، با اتصال جغرافیایی حاصل آمده میان این سه دولت، امکان تسلط هم‌افزا بر این منطقه راهبردی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن را در اختیار سه دولت قرار می‌دهد.



تصویر ۲: بیضی استراتژیک انرژی

مادر نبردها خوانده شد؛ ر.ک: المیادین (۱۳/۱۱/۹۶). «أم المَعَارِكُ» تُخْرَجُ دَاعِشَ مِنْ آخِرِ مَعْقَلِ لِهَ فِی سُوْرِيَا»،
yon.ir/ZLWga

۱. Strategic Energy Ellipse

در اختیار داشتن بیش‌ترین میزان ذخایر اثبات‌شده نفت خام جهان

منطقه خاورمیانه در پایان سال ۲۰۱۶ با اختصاص ۴۷/۷ درصد، بیش‌ترین میزان از ذخایر اثبات شده نفت جهان را دربر داشته است. در این میان جمهوری اسلامی ایران ۱۵۸۴۰۰ میلیون بشکه، ۹/۳ درصد از ذخایر نفت اثبات شده جهان را در پایان ۲۰۱۶ دربر دارد، عراق نیز اندکی کمتر از جمهوری اسلامی ایران، با ۱۵۳۰۰۰ میلیون بشکه، ۹ درصد ذخایر نفت اثبات شده جهان را به خود اختصاص داده است؛ اما جمهوری عربی سوریه با تنها ۲۵۰۰ میلیون بشکه صرفاً یک‌دهم درصد از ذخایر اثبات‌شده نفت جهان را به خود اختصاص داده است (Dudley, 2017: 12). در صورتی که ذخایر نفتی - به‌عنوان ابزاری استراتژیک - هر یک از این سه کشور، به‌صورت مجزا در نظر گرفته شود، جمهوری اسلامی ایران پس از ونزوئلا، عربستان سعودی و کانادا در رتبه چهارم از نظر میزان ذخایر اثبات شده نفت طبیعی قرار می‌گیرد، عراق در رتبه پنجم و سوریه نیز در جایگاه بسیار پایینی قرار خواهد گرفت؛ این در حالی است که اگر با توجه به همسایگی و امکان بهره‌گیری از فرصت هم‌افزایی در استفاده از امکانات بیضی استراتژیک انرژی، اتحاد نظامی - امنیتی ایجاد شده به حوزه اقتصاد انرژی نیز سرایت یابد، سه کشور با انباشت میزان ذخایر اثبات شده نفت خود، با بیش از ۱۸ درصد از ذخایر نفت اثبات شده جهانی، جایگاهی بالاتر از ونزوئلا با ۱۷/۶ درصد به‌دست آورده، در جایگاه نخست جهانی قرار گرفته و در صورتی که مزایای این توانمندی بالقوه، به‌صورت مشترک نهادینه شود، می‌توان از مزایای سیاسی آن از جمله دارا بودن دست برتر در چانه‌زنی و تصمیم‌گیری و ایجاد ذخایر استراتژیک بهره برد.

در اختیار گرفتن بیش‌ترین میزان ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی جهان

از نظر ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی نیز باید بیان داشت که در صورت انباشت ذخایر اثبات‌شده گازی سه کشور و یکپارچه دیدن ذخایر دولت‌های سه‌گانه، این سه کشور بیش از یک‌پنجم ذخایر اثبات شده گاز طبیعی جهان را به خود اختصاص می‌دهند.^۱ در صورت بهره‌گیری سه دولت از این ظرفیت و هم‌افزایی در سطح سیاست‌گذاری و اجراء، سه دولت جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه، دارای بیش‌ترین میزان ذخایر اثبات شده گاز طبیعی در جهان خواهند بود و می‌توانند از این جایگاه برای تأثیر بیش‌تر در بازار گاز جهان بهره برده و این ظرفیت را به سود اقتصادی مبدل سازند.

۱. میزان ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی سه کشور و نسبت آن به میزان ذخایر اثبات شده گاز جهان، بر اساس آمار مربوط به پایان سال ۲۰۱۶ عبارت است از: جمهوری اسلامی ایران: ۳۳/۵ تریلیون متر مکعب، ۱۸ درصد ذخایر گاز طبیعی اثبات‌شده و جایگاه نخست جهانی؛ عراق: ۳/۷ تریلیون متر مکعب، ۲ درصد ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی جهان؛ سوریه: ۰/۳ تریلیون متر مکعب، ۰/۲ درصد ذخایر اثبات شده گاز طبیعی جهان (Dudley, 2017: 26).

نتیجه گیری

در این پژوهش، همکاری شکل گرفته میان سه دولت- ملت جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه علیه تروریسم از منظر تأثیر این همکاری بر منابع مادی قدرت سه دولت- ملت مورد بررسی قرار گرفت. ماهیت همکاری میان سه دولت- ملت، از سنخ اتحاد بیان شد و دلایل چنین گونه‌شناسی نیز ارائه شد. با تبیین سه گونه برداشت از قدرت ملی، توانمندی کنترل بر منابع مورد تأکید قرار گرفت.

پس از تبیین دو مفهوم اصلی پژوهش، برای پاسخ به پرسش اصلی، مبحث عناصر قدرت ملی در نظریه واقع‌گرایی روابط بین‌الملل با تأکید بر نظریات مورگنتا به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش، برگزیده و پژوهش بر این بنیان نظری استوار شد. تمرکز در این بحث نظری بر عناصر مادی یا ملموس قدرت ملی قرار گرفت و این عناصر در یک مدل سه‌گانه ژئوپلیتیک، نظامی و اقتصادی عرضه شد و سپس تأثیر اتحاد جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه علیه تروریسم بر منابع مادی سه-گانه قدرت ملی این سه دولت- ملت، مورد واکاوی قرار گرفت که نتایج و یافته‌های زیر را به همراه داشت:

در بُعد ژئوپلیتیک، اتحاد شکل گرفته میان سه دولت، تسلط هم‌افزای آنها را بر هلال خصیب گسترش می‌دهد که افزون بر توسعه چیرگی بر این نقطه تمدنی، امکان بهره‌مندی از ظرفیت‌های کشاورزی در این منطقه را در اختیار سه کشور می‌نهد. همچنین با اتحاد میان سه کشور، امکان ایجاد یک مثلث ارتباطی میان سه حوزه ژئوپلیتیکی مهم دریای عمان- خلیج فارس، خزر- آسیای میانه و مدیترانه شرقی فراهم آمده که این مهم از منظر ژئوپلیتیک دسترسی و ظرفیت‌های استفاده از این ژئوپلیتیک در صورت سیاست‌گذاری و اجرای طرح‌های جاده‌ای در اختیار سه کشور قرار داده، منطقه تحت سیطره سه دولت را به پل اتصال شرق به غرب با استفاده از امکان تکمیل ابتکار راهبردی یک کمربند یک جاده^۱ چین و پل اتصال شمال به جنوب با در اختیار نهادن فرصت‌های بدیل از تنگنای ژئوپلیتیک روسیه و نیازمندی این کشور به دو آبراه بین‌المللی بسفور و داردانل تبدیل می‌کند.

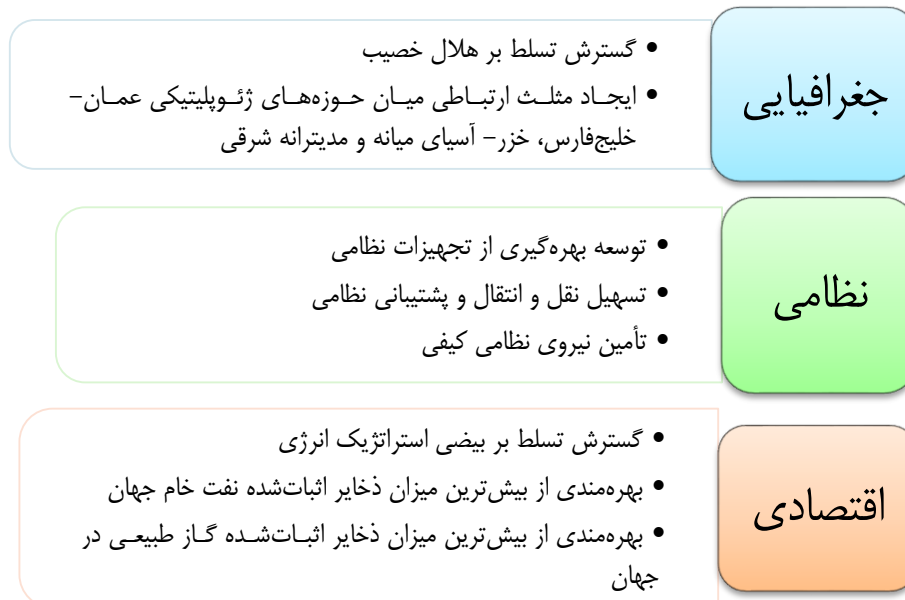
در بُعد نظامی، اتحاد حاصل آمده میان سه کشور، امکان بهره‌گیری از توانمندی‌های سه دولت در عرصه تجهیزات نظامی را در صحنه عملیاتی فراهم آورد، امکان نقل و انتقال و لجستیک میان سه کشور را تسهیل نموده و از این رهگذر، امکان پشتیبانی آسان‌تر از محور مقاومت و ایجاد تهدید علیه رژیم صهیونیستی را فراهم کرده و طی هفت سال جنگ در محیط‌های عملیاتی دشوار و علیه یگان‌های نظامی متنوع، تجربه‌ای غنی را انباشته و نیروی انسانی با کیفیتی را در رده‌های گوناگون رزم در اختیار سه دولت نهاده است که یکی از مهم‌ترین منابع قدرت به‌شمار می‌آید.

۱. One belt and one road initiative

در بُعد اقتصادی نیز اتحاد میان سه کشور، چیرگی سه دولت بر سطح گسترده‌تری از بیضی راهبردی انرژی را باعث شده است، همچنین سه کشور را بر بیش‌ترین میزان ذخایر اثبات شده نفت خام و گاز طبیعی مسلط ساخته است؛ به‌صورتی که سه دولت را در جایگاه نخست ذخایر نفت خام و گاز طبیعی جهان قرار می‌دهد. این مهم در صورت ترجمان به‌صورت سیاست‌گذاری هم‌افزا به معنای بالا رفتن جایگاه دولت در بازار انرژی، امکان چانه‌زنی بیش‌تر در سازمان‌ها و رژیم‌های موضوع نفت و گاز است، همچنین در صورتی که از این ظرفیت به‌صورت ایجاد لوله‌های نفت و گاز متناسب با ظرفیت ایجاد شده با توجه به مثلث ژئوپلیتیک مذکور نقش ویژه‌ای به سه دولت در عرصه حمل و نقل انرژی می‌بخشد.

ملاحظه مهمی که در پایان باید بدان تأکید داشت، این است که آنچه در این پژوهش به‌عنوان منابع مادی قدرت ملی سه دولت جمهوری اسلامی ایران، جمهوری عراق و جمهوری عربی سوریه، متأثر از اتحاد میان این سه دولت مورد واکاوی قرار گرفت، منابع بالقوه‌ای است که اتحاد ضد تروریستی، آنها را در اختیار سه دولت نهاده و یا تقویت نموده است؛ نه بدان معنا که اساساً اتحاد حاصل آمده، تمامی منافع منابع مذکور را عملاً در اختیار سه دولت نهاده است؛ بلکه بهره‌مندی از منافع کنترل بر منابع مذکور، نیازمند طرح‌ریزی و رایزنی متناسب در هر حوزه موضوعی و نگاهی کل‌نگر است که امری معطوف به عرصه‌های اجرایی و بیرون از حیطه پژوهشی علمی است.

در پایان مهم‌ترین یافته‌های پژوهش در چارچوب مدل سه‌گانه با تأکید به حوزه‌های موضوعی مربوط به منابع مادی قدرت در قالب تصویر شماره ۳ ارائه می‌گردد که دربردارنده اصلی‌ترین نتایج پژوهش است.



تصویر ۳: مدل سه‌گانه تبیین‌کننده منابع مادی قدرت ملی سه کشور در پی اتحاد ضد تروریستی

منابع

- اسمعیلی، علی و جانسیز، احمد (۱۳۹۵)، «علل گسترش روابط استراتژیک ایران با سوریه؛ از حمله آمریکا به عراق تا آغاز بحران در سوریه ۲۰۰۳-۲۰۱۱»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۲۱، ۱۵۱-۱۷۴.
- آقای، سید داوود و اکبری، حمیدرضا (۱۳۸۸)، «مناسبات استراتژیک از منظر تئوری‌های اتحاد»، مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۶، ۱-۲۴.
- بختیارپور، علی و عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۹)، «بسط ژئوپلیتیک ایران در خاورمیانه عربی با ترسیم مدل بسط در مدیترانه شرقی»، جغرافیای سرزمینی، شماره ۲۷، ۱-۲۰.
- پارسای، رضا و مطهرنیا، مهدی (۱۳۹۳)، «اترگذاری محور ایران، سوریه و حزب‌الله بر منافع آمریکا در خاورمیانه»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۸۶، ۱۰۷-۱۳۸.
- جعفری، علی‌اکبر و نیک‌روش، ملیحه (۱۳۹۲)، «منابع سیاسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق جدید»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۷، ۱۰۳-۱۲۴.
- جعفری، علی‌اکبر و نیک‌روش، ملیحه (۱۳۹۴)، «منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق نوین»، مطالعات قدرت نرم، شماره ۱۲، ۲۹-۵۰.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۵)، کلیات روابط بین‌الملل، تهران: نشر مخاطب.
- شیرازی، حبیب‌الله ابوالحسن و پارسه، رضا (۱۳۹۳)، «اتلاف سه‌گانه ایران، سوریه و حزب‌الله و تأثیر آن بر منافع آمریکا در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست جهانی، شماره ۱، ۷۳-۱۱۴.
- عارفی مقدم، پویا (۱۳۹۲)، تأثیر زمینه‌های همکاری اقتصادی ایران و عراق بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۵)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
- عباسی، ابراهیم (۱۳۹۳)، «خاورمیانه شمالی: سازه‌ای جدید برای همکاری در شبکه منطقه‌ای خاورمیانه»، فصلنامه سیاست جهانی، شماره ۱، ۱۱۵-۱۶۰.
- عباسی، ابراهیم و همکاران (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی جایگاه ارتباطی خاورمیانه شمالی با آسیای مرکزی در مقایسه با سایر حوزه‌های خاورمیانه»، مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۲، ۲۸۹-۳۱۰.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۱)، ژئوپلیتیک، تهران: سمت.
- قدسنا (۱۳۹۶/۳/۲۹)، «بیانیه سپاه درباره حمله موشکی از کرمانشاه به مقر داعش در سوریه»، <http://qodsna.com/fa/301072>
- کیوان حسینی، سید اصغر و جمعه‌زاده، راحله (۱۳۹۲)، «تبیین نظری قدرت نرم بر مبنای نگرش فرا‌نای به کاربست منابع غیرمادی قدرت در سیاست خارجی»، پژوهش سیاست نظری، شماره ۱۳، ۱۳۹-۱۶۰.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.
- مختاری هشی، حسین (۱۳۹۱)، مجموعه مقالات همایش ژئوپلیتیک شیعه، تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت، چ ۱۰.
- مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۴)، سیاست میان ملت‌ها، (حمیرا مشیرزاده)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- المیادین (۹۶/۱۱/۱۳)، «أم المَعَارِك» تخرج داعش من آخر معقل له فی سوریا، yon.ir/ZLWga

- Morgenthau, Hans J (1997), *Politics among Nations: The Struggle for Power and Peace, Revised by Kenneth W. Thompson*, Beijing :Peking University Press.
- Kemp, Geoffrey (2010), *The East Moves West India, China, and Asia's Growing Presence in the Middle East*, Washington D.C: Brookings Institution Press.
- Walt, Estephen M (1987), *The Origins of Alliances*, USA: Cornell University Press.
- Dudley, Bob (2017), BP Statistical Review of World Energy June 2017
- Griffiths, Martin and Others (2008), *International Relations: The Key Concepts*, London: Routledge.
- Hart, J. (1976), "Three approaches to the measurement of power in international relations". *International Organization*, 30(2), 289-305.
- Lerche, Charles O.; Said, Abdul Aziz (1979), *Concepts of international politics*. In global perspective, 3rd ed. Englewood Cliffs, London: Prentice-Hall.
- Roth, Daniel J. (01.25.2018), <http://www.jpost.com/Middle-East/Iran-News/Danon-Iran-currently-controls-82-thousand-fighters-in-Syria-539844>
- Sly, Liz; loveluck, Louisa and Ryan, Missy (12.14.2017), https://www.washingtonpost.com/world/endgame-in-aleppo-the-most-decisive-battle-yet-in-syrias-war/2016/12/13/eff36c3a-c16c-11e6-92e8-c07f4f671da4_story.html?utm_term=.d7c54eb8b56f